

## رساله حقوق

عرض کردیم که امام سجاد (علیه السلام) دو حق مهم برای نماز ذکر کرده‌اند:

۱. شناخت حقیقت نماز «فاما حق الصلاة فان تعلم انها وفادة إلى الله»، به نحو مختصر این را توضیح دادیم.

۲. حق دوم که به مکلف مربوط می‌شود، این است که «و انک قائم بها بین یدی الله». حق دوم نماز این است که بدانند به سبب نماز در برابر که ایستاده است «قائم بین یدی الله» این دو حق نماز است.

### تأثیر دو حق نماز در انسان

بعد به دنبال آن می‌فرماید: «فإذا علمت ذلك كنت خليقا ان تقوم فيها مقام الذليل؛ الراغب؛ الراهب؛ الخائف؛ الراجي؛ المسكين؛ المتضرع؛ المعظم من قام بين يديه بالسكون والإطراق؛ و خشوع الاطراف و لين الجناح؛ و حسن المناجاة له في نفسه و الطلب إليه في فكاك رقبتك التي احاطت به خطيئتك و استهلكتها ذنوبك؛ و لا قوه الا بالله»؛ می‌فرماید: حالا که دانستی نماز چیست و تو به سبب نماز در برابر خدا ایستاده‌ای، سزاوار است که بدانی تو در چه جایگاهی هستی نسبت به خدا. کانه اینجا سه ضلع تصویر شده است: ۱. نماز که مشتمل بر اعمال و اذکار و اوراد خاصی است، ۲. نمازگزار؛ ۳. خداوند. باید بدانی نماز چیست؟ بدانی تو که بر مرکب نماز سوار می‌شوی در برابر چه کسی ایستاده‌ای؟ می‌گویند: اگر نماز را شناختی و دانستی که آن کسی که در برابرش ایستاده‌ای کیست، آنگاه به حد خودت واقف می‌شوی.

### ۱. خضوع قلبی

محصل جملات بعدی امام سجاد (علیه السلام) در اینجا خضوع جوانحی و خضوع جوارحی است. یک خضوع تام قلبی و یک خضوع و خشوع در اعضا و جوارح. امام سجاد (ع) می‌فرماید: وقتی حقیقت نماز را شناختی «کانه وفادة إلى الله» این پله رسیدن به خدا است، درگاه ورود به بارگاه الهی است. و وقتی دانستی که تو با نماز در برابر چه کسی ایستاده‌ای یعنی در برابر خدا ایستاده‌ای؛ آنگاه سزاوار است که به این جهت توجه کنی که تو در برابر او هیچ چیز نیستی؛ تو در برابر خدا در قلبت باید یک خضوع و خشوع تام داشته باشی و اعضا و جوارحت نیز باید خاضع باشند. می‌فرماید: «كنت خليقا ان تقوم فيها مقام الذليل» کسی که خود را حقیر و خوار می‌شمارد خودش را، در عین حال راغب و خود باخته، خائف و بیمناک، الراجی، امیدوار، المسکین، درمانده، المتضرع، کسی که حالت زاری و تضرع دارد، «المعظم من قام بين يديه»، تا اینجا آن خضوع قلبی را بیان می‌کند. می‌خواهد بفرماید که وقتی حقیقت نماز را دانستی و خدا را به عنوان کسی که در مقابل او به نماز ایستاده‌ای در نظر گرفتی، آنگاه وضعیت تو باید این‌گونه باشد. وضع تو یعنی قلب و درون و بیرون تو. گفتم این جملات بعدی اشاره به دو مطلب دارد: خضوع در قلب، یعنی آن حالت درونی انسان در موقع نماز چگونه باید باشد و از نظر اعضا و جوارح نیز باید چگونه باشد. بیان می‌کند.

این مسئله آنقدر مهم است که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «لا يقبل الله صلاة عبد لا يحضر قلبه مع بدنه»؛ خداوند متعال به نماز بنده‌ای که در آن قلبش را همراه بدن نمی‌کند، نظر نمی‌کند. این عبارت بسیار عجیب و قابل تأمل است. منظور از این عبارت چیست؟ یعنی این خم و راست شدن ما به تنهایی موجب جلب توجه خداوند نمی‌شوند.

گاهی اوقات خودم فکر می‌کنم که با این معیار، حال و وضعیت ما بسیار وخیم و نامناسب است. خداوند متعال به نمازی که در آن نمازگزار قلب خود را همراه بدن نمی‌کند نظر نمی‌کند. این خط کلی در نماز به حسب قلبی است. باطن ما در نماز اینگونه باید باشد، یعنی ما باید چنان باشیم که همان‌طور که بدن ما در شرایط خاصی قرار دارد که بعداً توضیح خواهیم داد، سکون، حالت خضوع، با چه زبانی سخن بگوییم، باید قلب و باطن ما نیز با این حرکات و سکنت‌ها همراه باشد. یعنی وقتی تکبیر می‌گوییم، قلب و باطن انسان باید در چه وضعیتی باشد؟ وقتی قنوت می‌خوانیم، وقتی به رکوع می‌رویم، و وقتی به سجود می‌رویم، باید در اوج حضور باطنی و قلبی خود را قرار دهیم. این همراهی که عرض می‌کنم، قطعاً در نمازهای ما وجود ندارد.

سپس امام سجاد (علیه السلام) به زیبایی آن حالاتی را که ما باید در قلب خودمان به آنها توجه کنیم، بیان کرده‌اند. حضرت اکتفا نکردند به بیان کلی خضوع قلبی، که شما باید خود را در محضر خدا ببینید و خود را خاضع قرار دهید. ایشان بسیار واضح و روشن می‌فرمایند: «فاذا علمت ذالک، کنت خلیقاً ان تقوم فیها»، در نماز اینگونه باشید، حالات قلبی و درونی تو باید اینگونه باشد. امام سجاد (علیه السلام) هفت الی هشت نکته را ذکر می‌کنند که شما باید خود را در آن جایگاه و موقعیت ببینید. انشاءالله این موارد را بعداً توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»